

## بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان: مطالعه موردی

### شهر سازی

\* گلمراد مرادی

\*\* محسن صفاریان

\*\*\* زهره آذرگون

کد مقاله: ۳۵۲

#### چکیده

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و یکی از شاخه‌های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. هدف این تحقیق بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان شهر سازی است.

روش مورد استفاده در این مقاله پیمایش می باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه ی جوانان شهر سازی است. این گروه بر اساس آخرین آمارهای بدست آمده در سال ۱۳۸۵ با ۵۳۷۲۴ نفر جمعیت می باشد. تعداد ۳۰۰ نفر از جامعه ی آماری به عنوان نمونه به شیوه ی تصادفی سیستماتیک و با استفاده از فرمول کوکران برای مطالعه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از اعتبار ملاک و سازه برای برآورد روایی و برای به دست آوردن پایایی ابزار سنجش از آلفا کرونباخ استفاده به عمل آمده است. برای بررسی فرضیات تحقیق از ضریب همبستگی و مقایسه میانگین ها و برای بررسی مدل تحقیق از تحلیل مسیر استفاده شده است.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که پنج متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، گرایش های مذهبی و عضویت در نهادها و همچنین تحصیلات به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته دارند وارد معادله ی رگرسیونی شده است و در کل این متغیرها توانسته ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نماید. همچنین داده های بدست آمده از وضعیت مشارکت جوانان نشان می دهد که میانگین نمره ی مشارکت اجتماعی برای افراد مورد مطالعه برابر ۴۳/۴۸ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود مشارکت کم و تا حدی ضعیف در میان جوانان است. نتایج تحقیق در مورد مشارکت جوانان براساس آنچه که میلیبرات و گوئل بحث می کنند بسته به عواملی چون انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی و ویژگیهای شخصی می باشد، تا حدی همخوانی دارد.

**واژگان کلیدی:** مشارکت سیاسی، جوانان، اعتماد، انسجام، شهر سازی.

\* دانشجوی دکتری جامعه شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب.

E-mail: moradi.pop@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد جامعه شناسی.

\*\*\* کارشناس ارشد جمعیت شناسی.

## مقدمه

کمتر برنامه‌ریزی ملی و بین‌المللی ای وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد. به عبارتی، مشارکت از شروط لازم برای تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی می‌باشد که به نقش فعال مردم در روند توسعه توجه دارد (محسنی تیریزی، ۱۳۷۵، ص ۱۲). منظور از مشارکت، دخالت مستقیم افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است تا حقوق و آزادی‌های آنان از گزند کار و تصمیم‌های گروه‌های کوچک و دور از دسترس و اغلب ناشناس در امان بماند (شجاعی، ۱۳۸۱، ص ۶۰). مشارکت در حقوق عمومی در چهار حوزه ی مشارکت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، شغلی و سیاسی مطرح است. واژه ی مشارکت در مواردی ممکن است مترادف کلماتی نظیر تعاون، همیاری، دیگریاری و خودیاری باشد. مفهوم مشارکت در یک امر و اقدام جمعی در جهت هدفی مشخص و معین را می‌رساند، همکاری یا تعاون مترادف واژه همیاری است. در محتوای همکاری و همیاری و تعاون جمع و خصلت جمعی بودن و روابط متقابل، به بیان دیگر کنش و واکنش متقابل در جهت کمک و حمایت متقابل به روشنی دیده می‌شود (انصاری، ۱۳۷۶، ص ۲۳).

مشارکت، شرکت فعالانه انسانهاست در حیات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و به طور کلی تمام ابعاد حیات، مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن، سود بردن و یا در گروهی سود جستن و بنابر آن همکاری داشتن است. لوین<sup>۱</sup> در نظریه ی میدان اجتماعی رفتار انسان را تابع دو دسته عوامل شخصی و محیطی می‌داند. او در نتیجه ی یک رشته آزمایش‌های پژوهشی در باب مشارکت بر این باور است که هرگاه مردم در کارگردانی کارها مشارکت داده شوند. میزان مقاومت و ایستادگی آنان در برابر دگرگونی و نوسازی و نوآفرینی کاهش می‌یابد و هویت آنها را با هدفهای آنها ژرفایی می‌بخشد و خودباوری و اعتماد به نفس را تقویت می‌کند و انعطاف پذیری را افزایش می‌دهد (ستوده، ۱۳۸۴، ص ۹).

در تعاریف جدید، واحد تحلیل مشارکت فرد است و عمل ارادی و آگاهانه و مسالمت‌آمیز فرد در جهت تاثیرگذاری برنظام است. بنیاد نظری مشارکت از نوع جدید، پذیرش اصلی برابری زنان با مردان است و از این لحاظ از آنجا که در جامعه ی مدنی، تفاوتی میان مرد و زن وجود ندارد. لذا این اصل جز لاینفک سخن از جامعه ی مدنی، مشارکت و حضور جوانان در اجتماع است (رنجبر، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و یکی از شاخه‌های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. توسعه سیاسی خود یکی از ابعاد توسعه همه‌جانبه است. آنچه مسلم است در تعیین فرهنگ سیاسی و فرهنگی که به گونه‌ای بتواند به توسعه سیاسی کمک نماید، عوامل بسیار زیادی چون شرایط تاریخی، جغرافیایی، ساختار اقتصادی، اجتماعی، سنت‌های سیاسی، آداب و رسوم و جامعه‌پذیری سیاسی است که تأثیرگذاری هر یک از عوامل مزبور در جوامع گوناگون به یک نسبت و یک صورت نیست. یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند. جامعه‌ی ایران در صدسال اخیر دچار تحولات اساسی می‌باشد که به تعبیری ناشی از پا گذاشتن در مرحله‌ی تجدّدگرایی است. همزمان با درگیر شدن هر چه بیشتر جامعه با پیامدهای تجدّدگرایی برخی مفاهیم مانند انتخابات آزاد، قانون اساسی وارد عرصه‌های اجتماعی زندگی ایرانیان شد (وثوقی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

بنابراین جامعه‌ی ایران به عنوان جامعه‌ی در حال گذر بیش از پیش به تحقق عملیاتی مفهوم مشارکت در تمام ابعاد توسعه بویژه مشارکت سیاسی دارد. اگر بخواهیم تعریفی از مشارکت سیاسی داشته باشیم که قلمرو وسیعی از فعالیت‌هایی را که در جوامع مختلف مشارکت محسوب شود، در برگیرد - باید تعریفی را اختیار نماییم که تا اندازه‌ای جامع و مانع باشد. مشارکت سیاسی عبارتند از: هر عمل ارادی (داوطلبانه) موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا غیرسازمان یافته، گاه گاهی یا مستمر، شامل به کارگیری مشروع و یا نامشروع که هدفش تأثیر بر انتخاب سیاستها و خط مشی‌های کلی کشور، اداره‌ی امور مملکت و انتخاب رهبران سیاسی در هر حکومت خواه محلی یا ملی است. از تعریف فوق سه جنبه مهم مشارکت مورد توجه می‌باشد: عمل شفاهی (سخن گفتن)، داوطلبانه و انتخابی (مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۲).

جوانان در کشور ما عمده‌ترین نیروی انسانی بوده است که توجه به آنها به معنای توجه به نیروی انسانی و ثروت ملی برای برنامه‌سازی و برنامه‌ریزی در عرصه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد که استفاده و بهره‌برداری مناسب از آن می‌تواند در روند سرعت و یا کندی توسعه‌ی پایدار ملی کارآمدی خود را بنمایاند.

بدیهی است برای اعتلا و بالندگی جوانان باید بسترهای مناسب فعالیت و مشارکت در اختیارشان قرارگیرد و به همان میزان نیز امید بهبود جامعه ی امروز و فردا را انتظار داشت. درچنین فضایی جوان اگر احساس و ادراک هویت مستقل و رضایت‌مندی از زندگی اجتماعی داشته باشد تمایل به مشارکت سیاسی پیدا می‌کند. جوانان برای ورود به عرصه ی مشارکت سیاسی احتیاج به آموزش، درک مسائل سیاسی، انگیزه ی تحرک و قدرت تجزیه و تحلیل و استنباط حکم را دارند. در غیر اینصورت کناره گیری و انزوای از مسائل سیاسی و یا مخالفت‌گریهای غیرمنطقی در برابر آن باید بعنوان سؤال در ذهن مسؤولین سیاسی مطرح شده و به دنبال پاسخ به آن باشند.

عدم توجه به مقتضیات و پتانسیل ویژه جوانان در مشارکت صحیح و هدایت شده سیاسی، باعث ایجاد تعارضات و انواع ویژه ای از رفتارهای سیاسی درمیان آنها بویژه در شرایطی می شود که اجتماع توان فراهم سازی و تدارک راههای مقبول (مشارکت سیاسی معنادار و خلاق) این قشر را برای دستیابی آنها به اهداف شان ندارد. در نتیجه نوعی ناسازگاری و تعارض ساختاری بین قشر جوان و سیستم سیاسی جاری پدید می‌آید و به نقل از مرتن<sup>۲</sup> شاهد طیف چهارشقی از کنش‌های مشارکت و رفتار سیاسی خواهیم بود که از نظر نظام فرهنگی یا جامعه بطور کلی، نامقبول می‌افتد و عبارت است از:

۱- مناسک گرایی: زمانی پیش می‌آید که جوانان وسایل پذیرفته شده ی جمعی دستیابی به هدف رامی پذیرند اما خود آن هدف را نمی‌پذیرند و از مشارکت سیاسی فعال پرهیز می‌کنند. ولی رفتار تبعی و پیرومشنانه سیاسی آنان خود را صرفاً در قالب رأی دادن حتی در انتخابات غیررقابتی نشان می‌دهد.

۲- انزواگرایی: در این کنش، جوانان هم اهداف و هم وسایل دستیابی به هدف را نمی‌پذیرند و در حوزه ی سیاسی رفتاری بی‌تفاوت در قالب عدم مشارکت سیاسی از خود نشان می‌دهند و حتی در شرایط حاد دچار افسردگی سیاسی می‌شوند.

۳- بدعت گرایی: زمانی رخ می‌دهد که جوانان هدفها را می‌پذیرند ولی وسایل مقبول اجتماعی دستیابی به آنها را رد می‌کنند. آنها به جای مشارکت فعال در عرصه ی رقابتهای سیاسی، به مشارکت پنهان و محفلی و بانندی برای دستیابی به اهداف شخصی‌شان در سمت‌های اجرایی سیاسی دست می‌یازد.

۴- طغیان: در این رویکرد اعتراضی، جوانان اهداف و وسایل دستیابی به این هدفها را رد می نمایند و اهداف و وسایل جدیدی را به جای آنها انتخاب می کنند. مانند گروههای انقلابی که درصدد براندازی مهمترین اهداف (ارزشها) و راههای دستیابی به اهداف (هنجارها) یک جامعه اند که رفتار اعتراضی و خشن در عرصه ی سیاسی دارند(علیخانی، ۴۵، ۱۳۸۵).

از این رو، جامعه ی ایران که هم با پیامدهای تجدّدگرایی و هم ارزشهای پدرسالارانه و اقتدارگرایانه روبرو شده و خصوصیات جامعه در حال گذر را به خود گرفته است، بحث مشارکت سیاسی جوانان آن به عنوان یکی از مباحث مهم به نظر می رسد.

هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان شهر سازی است. در این راستا اهداف جزئی تری مدنظر است که در قالب سؤالیهای ذیل مطرح می باشد:

۱- آیا بین متغیرهای اقتصادی(وضعیت شغلی، محل سکونت، میزان درآمد) و مشارکت سیاسی جوانان رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین متغیرهای اجتماعی(انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نگرش های مذهبی، قومیت، میزان استفاده از رسانه ها و عضویت در نهادها) و مشارکت سیاسی جوانان رابطه وجود دارد؟

۳- آیا بین ویژگیهای فردی(سن، جنس، وضعیت تاهل) و مشارکت سیاسی جوانان رابطه وجود دارد؟

#### پیشینه ی تحقیق

علیخانی(۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان "آسیب شناسی مشارکت سیاسی جوانان" ابتدا با تعریف مفهوم اصلی مشارکت سیاسی و جوان، به تبیین موضوع مورد بررسی و اهمیت توجه به آن می پردازد و در ادامه با تلقی جوان به عنوان یکی از منابع مهم انرژی نظامهای اجتماعی و مرتبط ساختن وی با ساختارهای اجتماعی، شرایط تحقق و موانع ساختاری مشارکت سیاسی جوانان را از زوایای مختلف برمی شمارد. ایشان اشاره می کند که تربیت سیاسی صحیح جوانان با خط مشی و اهداف حکومت جمهوری اسلامی و برنامه ریزی ها و سیاست های کشور ارتباط تنگاتنگی دارد و حکومت اسلامی باید در زمینه های مختلف

چه ساختاری و چه تصمیم‌گیری کلان بستر مناسبی را برای مشارکت سیاسی جوانان مهیا کند و موانع آنرا از سر راه بردارد.

وثوقی (۱۳۸۳) تحقیقی تحت عنوان "روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران" به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مشارکت سیاسی غیررسمی با تحصیلات، میزان استفاده از رسانه‌ها و ارتباط جوان با شهر، افزایش یافته است. ولی مشارکت سیاسی رسمی با ارتباط جوان با شهر و تحصیلات ابتدایی آنها بیشتر شده است و سپس رو به کاهش می‌رود. اما در کل نتایج نشان می‌دهد مشارکت سیاسی غیررسمی بیشتر از جنبه رسمی با شاخص‌های توسعه ارتباط دارد.

ربکا شاپیرو (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "مشارکت سیاسی و کیفیت زندگی" به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته‌اند. تحقیق نشان می‌دهد مردمی که مشارکت سیاسی دارند از بیشتر بعدها دیگر زندگی نیز راضی هستند. اطلاعات گرفته شده از آمریکای لاتین نشان می‌دهد یک رابطه مثبت و معنادار میان رای دادن و رضایت از زندگی وجود دارد. استفاده از مدل‌های چندسطحی این پژوهش نشان می‌دهد که بین شکل‌های مختلف دیگر از مشارکت سیاسی و رضایت از زندگی نیز رابطه معنی داری وجود دارد.

جوتز (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان "آموزش زنان و مشارکت سیاسی" به بررسی آموزش زنان و ارتباط آن با مشارکت سیاسی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان با سطح آموزش بالا لزوماً مشارکت سیاسی بالایی هم ندارند. زیرا در بعضی کشورها مانند هند با وجود موفقیت اقتصادی - اجتماعی بالای زنان مشارکت سیاسی کمی مشاهده می‌شود. این پژوهش بیان می‌کند که در میان متغیرهای فرهنگی، بیشتر آموزش زنان رابطه‌ی معناداری با مشارکت سیاسی دارد. در نهایت این تحقیق نشان می‌دهد هر چه قدرت و اقتدار زن بیشتر باشد، مهارت و مشارکت سیاسی او بالاتر می‌باشد که این مهارت سیاسی منشا گرفته از مواردی مانند آموزش، سرمایه‌ی اجتماعی، اقتدار فرهمندانه و... می‌باشد.

### مباحث نظری

مکاتب فکری و نظریه های سیاسی و اجتماعی مشارکت را از زوایای متفاوت مورد توجه و بررسی قرار داده اند. دورکیم<sup>۳</sup> در نظریه ی همبستگی معتقد است کنش اجتماعی، چگونگی عمل، تفکر و احساس، خارج از فرد است و قدرت اجبار دارد که به کمک آن، خود را به فرد تحمیل می کند(توسلی، ۱۳۷۶، ص ۲۷). لیپست<sup>۴</sup> با بیان ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی معتقد است میزان رفاه و توسعه اقتصادی کشورها را می توان به صورت عامل مهمی برای توسعه یافتگی سیاسی و دموکراسی در نظر گرفت. به نظر او همه شاخص های توسعه اقتصادی مانند ثروت، صنعتی شدن و شهرنشینی و تحصیلات چنان با هم مرتبط است که تشکیل عامل واحد می دهد و این عامل درجه ی همبستگی بالایی با دموکراسی دارد. این بخش از مطالعات لیپست در سطح کلان و در سطح کشورها مطرح است. وی با استفاده از یافته های آماری در خصوص ویژگی های اجتماعی رای دهندگان و مشارکت کنندگان در فعالیت های سیاسی و طبقه بندی آن به دو گروه (مشارکت بالا و پایین) به تدوین قواعد عام در زمینه علل شرکت در زمینه انتخابات می پردازد. عوامل اجتماعی مورد نظر لیپست عبارتند از درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، فعالیت سیاسی، منزلت اجتماعی بالا، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تاهل، عضویت در سازمان ها(لیپست، ۱۹۶۴، ص ۱۴۸).

هانتینگتون<sup>۵</sup> مطالعات متعددی در زمینه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داده است و به پیروی از لرنر<sup>۶</sup> نوسازی را فراگردی چندبعدی می داند که در همه زمینه ها جریان دارد. به نظر وی جنبه های اصلی نوسازی عبارت است از: شهرنشینی، صنعتی، دنیاگرایی، دموکراتیزه شدن، آموزش و دسترسی به رسانه های جمعی. وی بر نهادینگی و ثبات سیاسی همراه با سطح قابل قبولی از مشارکت به عنوان دو معیار توسعه سیاسی تاکید می کند. وی تحرک اجتماعی را که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصیلات و شهرنشینی و ارتقای وضعیت اقتصادی به وجود می آید، عامل اصلی مشارکت سیاسی می داند که چنانچه با عدم نهادینگی سیاسی توأم نباشد بی ثبات کننده و موجب تباهی سیاسی است(هانتینگتون، ۱۹۷۰، ص ۳۸).

هانتینگتون و نلسون<sup>۷</sup> در کتابی با عنوان مشارکت سیاسی در کشورهای در حال توسعه معتقدند که توسعه اقتصادی و اجتماعی به دو صورت بر مشارکت مردم تاثیر می گذارد:

الف) از طریق تحرک اجتماعی: به این صورت که به کسب منزلت اجتماعی بالاتر برای فرد منجر می‌شود و در نتیجه توانمندی و قدرت تاثیرگذاری او افزایش می‌یابد، به طور مثال افزایش میزان سواد. ب) از طریق ایجاد سازمانها و گروههای اجتماعی نسبتاً مستقل به گونه‌ای که فرد با عضویت در آن مکانها، موقعیت مناسب تری برای مشارکت پیدا می‌کند (خاکساری، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

لرنر مطالعه خود را در شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه) متمرکز ساخته که حاصل آن کتابی به نام "گذر از جامعه سنتی" است، وی با رویکردی جامعه‌شناختی - روانشناختی به مطالعه نوسازی در خاورمیانه پرداخته است. اندیشه‌ی لرنر در چهارچوب نظریه اشاعه فرهنگی است به این معنی که با بسط و نشر عناصر فرهنگی جدید و ایفای نقش موثر در این رابطه فراهم می‌شود. به نظر لرنر مهمترین عناصر و متغیرهای نوسازی کننده عبارت است از: رسانه‌های گروهی، تعلیم و تربیت و شهرنشینی. نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه سنتی دگرگونی در نگرش‌ها و باورهای مردم را در پی دارد. یکی از شاخص‌های این نگرش‌های جدید وجود همدلی و بروز شخصیت انتقالی در افراد است. به این معنی که شخص این توانایی را در خود می‌بیند که خود را به جای دیگری بگذارد و به کنش مثبت و سازنده با دیگران پردازد. بر همین قیاس مشارکت افراد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی نیز یکی از ابعاد توسعه اجتماعی و روانی به شمار می‌رود (ازکیا، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

#### وفاق اجتماعی و تضاد اجتماعی

مشارکت برای نظریه پردازان طرفدار وفاق اجتماعی به عنوان کارکرد هر جزء تلقی می‌گردد که زمینه ساز رسیدن به اهداف نهایی نظام اجتماعی است. به نظر این گروه شرط اساسی عضویت در یک جامعه می‌تواند مشارکت باشد و شاید اگر بخواهیم به زبان دورکیمی این امر را تحلیل کنیم، امر مشارکت چه در شکل سنتی زندگی اجتماعی یا شکل جدید آن اتفاق می‌افتد، مشارکت در جوامع سنتی مشارکت همگنان است و نوعی مشارکت در اعمال دسته جمعی آیین‌ها و پاس داشت امور مربوط به وجدان جمعی است و مشارکت جوامع جدید مشارکت انسان‌های ناهمگن در زمینه‌های بسیار متفاوتی مانند



ایجاد اتحادیه های صنفی (گروه های شغلی)، تدوین قوانین و احترام به آن و ارزش نهادن به وجدان فردی است.

در نقطه مقابل، مشارکت در دیدگاه تضاد یک مسأله ی طبقه ای و در مواردی ناآگاهانه است، که در مشارکت داخل طبقه ای، نوعی تلاش دسته جمعی برای استثمار طبقات پایین توسط طبقه مسلط از یک طرف و اتحاد استثمارشدگان برای مبارزه با طبقه مسلط از طرف دیگر به چشم می خورد. ولی مشارکت ناآگاهانه بیشتر به مشارکت استثمارشدگان در استثمار خود شان به خاطر آگاهی کاذب از شرایط موجود اشاره دارد، در مورد طبقات مسلط نیز اشکالی از مشارکت ناآگاهانه مخصوصاً در مراحل اولیه هر دوره از تحول اجتماعی به چشم می خورد (سالکی، ۱۳۶۹، ص ۲۳).

#### دیدگاه هانتینگتون و نلسون درباره ی مشارکت سیاسی

به اعتقاد این دو اندیشمند، مشارکت سیاسی و اجتماعی تابعی از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۸۷، ص ۴۸). این فرایند از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می گذارد: نخست از طریق تحرک اجتماعی است. کسب منزلت های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می کند و نگرش او را نسبت به توانایی اش در تأثیر نهادن بر تصمیم گیری ها مساعد می سازد. این نگرشها، زمینه ی مشارکت در سیاست و فعالیتهای اجتماعی را تقویت می کند. در این حالت منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا نگرش بی قدرتی می گذارد، بر مشارکت مؤثر می افتد. در این میان، متغیر سواد بیش از سایر متغیرهای منزلتی بر مشارکت اثر دارد. بنظر نلسون فرایند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثر می گذارد. عضویت فرد در گروهها و سازمانها (سازمانهای اجتماعی، اتحادیه های شغلی و صنفی، گروههای مدافع، علائق خاص و...) احتمال مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۴). این عامل در جوامعی که فرصتهای تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتر دارد. در این الگو بی قدرتی به عنوان متغیر واسطه ای، بر مشارکت اثر می گذارد (هولتون و ترنر، ۱۹۸۹، ص ۴۵). هانتینگتون همچنین عوامل پویای نوسازی را بر مبنای اقتدار<sup>۸</sup> خردمندان، تمایزپذیری ساختها و گسترش مشارکت اجتماعی - سیاسی می داند. او مشارکت را در دو وجه اساسی توزیع قدرت درون یک

نظام سیاسی و هماهنگ سازی موفقیت آمیز نیروهای اجتماعی تولیدی و مصرفی در یک نظام، توضیح می دهد. به نظر او در فرایند نوسازی و توسعه که تنوع و تمایز ساختاری و تخصصی شدن کارکردی و نهایتاً پیچیدگی ساختاری بوجود می آید به مشارکت مردم برای ایفای نقش های جدیدتر نیاز است (هانتینگتون، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱). هانتینگتون در جستجوی تفسیر عوامل پویای نوسازی برحسب اقتدار خردمندان، تفاوت پذیری ساخت ها و گسترش مشارکت سیاسی است. مشارکت سیاسی با دو وجه اساسی تفسیر می گردد. توزیع قدرت در درون یک نظام سیاسی، باید این توانایی را داشته باشد که اولاً سیاست تازه ای در پیش بگیرد؛ یعنی اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را از طریق کنش های دولت محقق کند و ثانیاً به گونه ای موفقیت آمیز، نیروهای اجتماعی مصرفی را در یک نظام هماهنگ کند (زارع، ۱۳۷۲، صص ۳۸۶-۳۸۷).

#### دیدگاه وبر و مشارکت

وبر<sup>۹</sup> جامعه‌شناس آلمانی از نظریه پردازان برجسته رویکرد تفهیمی است. به نظر وبر مشارکت مردمی در امورات اجتماعی به عنوان نوعی رفتار جمعی ریشه در نظام عقیدتی و معنایی است که کنشگران به رفتار کنش‌های خود می‌دهند (بشیریه، ۱۳۷۳، ص ۲۲). از نظر وبر رفتارهای اجتماعی نیازمند «تفهم»<sup>۱۰</sup>، معنایی است که بازیگران اجتماعی از اعمال خود در نظر دارند، رفتارهای اجتماعی در جهت معانی خاصی صورت می‌گیرند و برای دریافت آن رفتارها، شناخت وجه معنا و ارزش ضرورت دارد.

#### نظریه داونز و مشارکت سیاسی

داونز<sup>۱۱</sup> یک نظریه نیرومند از مشارکت ارائه می دهد که اگرچه عمدتاً مربوط به رفتار رأی دادن است، می توان آن را بر سطوح و انواع دیگر مشارکت تطبیق داد. او یک فرد محاسبه گر عقلانی را مطرح می سازد که می کوشد هزینه ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند و در سیستمی عمل می کند که در آن احزاب برای به حداکثر رساندن رأی فعالیت می کنند و ... شهروندان به طور عقلانی رفتار می کنند. این نظریه ای است که در عین حال که درک آن آسان است، اثبات یا عدم اثبات آن کمتر آسان است. با وجود این ممکن است عملکرد اجتماعی آن را با بررسی تعداد بسیاری از کاندیداها را انتخاب کند، معمولاً تعداد شرکت کنندگان در انتخابات را کاهش می دهد و تبیین دوانز این است که

افراد در چنین شرایطی درک منافع واقع خود را دشوارتر می بینند، زیرا پیش بینی نتیجه دشوارتر است. به نظر داوونز انتخابات مهم در منافع افراد تاثیر دارد و افراد بیشتر احتمال دارد بتوانند در نتیجه انتخاباتی که در آن مبارزات شدید است، تاثیر بگذارند و مسائلی که به روشنی تعریف شده است به افراد این امکان می دهد تا منافع خود را آسانتر درک کنند(داوونز، ۱۹۵۷، ص ۳۰۰).

#### نظریه ی رابرت لین و مشارکت سیاسی

لین<sup>۱۲</sup> نقشی را که مشارکت سیاسی ممکن است برای فرد ایجاد کند به خوبی خلاصه کرده است. وی مشارکت را وسیله ی دنبال کردن نیازهای اقتصادی، ارضای نیاز به سازگاری اجتماعی، وسیله دنبال کردن ارزشهای معین، وسیله برآوردن نیازهای ناخودآگاه و روانشناسی می داند. در این زمینه هم در نظر گرفتن کسانی که از لحاظ سیاسی مشارکت می کنند یا نه، مهم است. عدم دخالت در سیاست به شیوه های گوناگون به بی تفاوتی، بدبینی، بیگانگی و بی هنجاری نسبت داده شده است. اما باید میان این حالت‌های ذهن تمایزی برقرار کرد(میلبرات و گونل، ۱۹۷۷، صص ۶۱-۷۴).

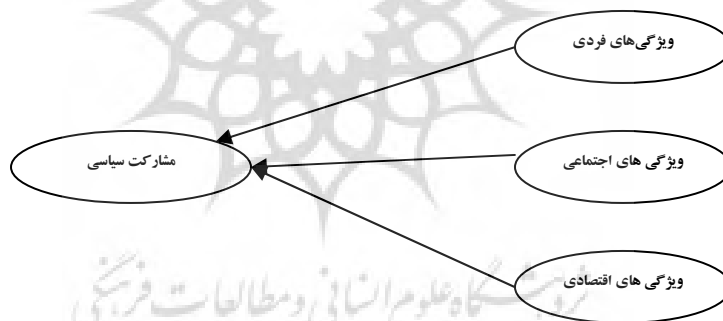
پری<sup>۱۳</sup> تبیین مشارکت سیاسی را به دو نوع نظریه های ابزاری و نظریه های تکاملی تقسیم می کند. پری از دیدگاه نظریه پردازان ابزاری مشارکت سیاسی را تبیین می کند و براین باور است که نظریه های ابزاری، مشارکت را وسیله ای برای یک هدف یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد و سدّی در برابر جباریت و استبداد در نظر می گیرند. بنابراین نظریه پردازان ابزاری استدلال می کنند که افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، افرادی که از تصمیمات تاثیر می پذیرند حق دارند در گرفتن تصمیمات شرکت داشته باشند و لذا وارثان نهایی نظریه پردازان ابزاری فایده گرایان و کثرت گرایان اند(دیویدای و چارلز اف، ۱۳۸۰، ص ۳۸).

#### میلبرات و گونل

به نظر میلبرات و گونل<sup>۱۴</sup> مشارکت بسته به چهار عامل مهم تغییر می کند: انگیزه های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگیهای شخصی و محیط سیاسی. به این عوامل باید مهارتها، منابع و تعهد را نیز افزود. برای مثال هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه های سیاسی به

صورت بحث درباره ی سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می پردازد یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط، قرار داشته باشند، احتمال مشارکت سیاسی بیشتر است. اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگیهای شخصی فرد نیز فرق می کند. شخصیت های اجتماعی تر، مسلط تر و برونگراتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه اجتماعی و قومیت سنجیده می شود به طور قابل ملاحظه ای در مشارکت جوانان تاثیر دارد. زمینه یا محیط سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل های مشارکت را که مناسب تلقی می گردد، تشویق می کند یا برعکس مشوق مشارکت نباشد. بنابراین قواعد بازی مانند حق رای انتخابات و دامنه و ماهیت احزاب سیاسی و گروههای فشار همه متغیرهای مهمی هستند (راش، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵).

در این مقاله مدل تجربی تلفیقی از آراء و نظریات مختلف مطرح شده در این تحقیق می باشد.



### فرضیات تحقیق

- ۱- بین ویژگیهای اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، نگرش های مذهبی استفاده از رسانه های جمعی، عضویت در نهادها و تحصیلات) و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین ویژگیهای اقتصادی (درآمد ماهیانه، وضعیت شغلی و محل سکونت) و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ویژگیهای فردی (سن، جنس، وضعیت تاهل) و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

### روش شناختی تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله پیمایش می باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه ی آماری مورد مطالعه جوانان شهر سازی است. درباره ی شروع و پایان دوره ی جوانی اختلاف نظر بسیار زیادی بین روانشناسان وجود دارد. برای تعیین این دوره از زندگی در پژوهش حاضر از تقسیم بندی اریکسون<sup>۱۵</sup> به دلیل اینکه بسیار مورد توجه گیدنز<sup>۱۶</sup> است و با چارچوب نظری تحقیق همخوانی دارد-استفاده شده است که جوانان را افراد بین سنین ۱۹ تا ۳۵ سال در نظر گرفته است. این گروه بر اساس آخرین آمارهای بدست آمده در سال ۱۳۸۵ ۵۳۷۲۴ نفر جمعیت می باشد. تعداد ۳۰۰ نفر از جامعه آماری به عنوان نمونه به شیوه تصادفی سیستماتیک و با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران<sup>۱۷</sup> برای مطالعه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از اعتبار صوری استفاده شده و برای به دست آوردن پایایی ابزار سنجش از آلفاکرونباخ استفاده شده است. مقدار بدست آمده از آلفای کرونباخ برای متغیرهایی چون مشارکت اجتماعی (۰/۷۹)، اعتماد اجتماعی (۰/۸۲)، انسجام اجتماعی (۰/۷۷) و نگرشهای مذهبی (۰/۸۰) را نشان می دهد. برای سنجش این متغیرهای فوق از طیف ۵ درجه ای لیکرت استفاده شده است.

### یافته های تحقیق

جدول شماره ۱ نشان دهنده ی وضعیت میانگین نمره ی پاسخگویان برای متغیرهایی چون مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، نگرشهای مذهبی می باشد. شاخص اول داده های جدول نشان می دهد که میانگین نمره مشارکت اجتماعی برای افراد مورد مطالعه برابر ۴۳/۴۸ است. این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود مشارکت کم و تا حدی ضعیف در میان جوانان است. شاخص بعدی در این جدول نگرشهای مذهبی است که میانگین نمره ی آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۲۱/۱۱ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۶ تا ۳۰) در حد بالایی است و بیانگر این مطلب است که میزان گرایش جوانان به ارزشهای مذهبی قوی بوده است. شاخص دیگر انسجام اجتماعی افراد را نشان می دهد. میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه

برابر ۲۵/۲۷ است که این نمره در مقایسه با دامنه ی نمره (۷ تا ۳۵) در حد بالایی قرار دارد. این شاخص بیانگر این واقعیت است که در میان بیشتر جوانان در شهر ساری حس انسجام بالایی وجود دارد. شاخص دیگر در این مجموعه اعتماد اجتماعی در میان جوانان است که میانگین نمره آن برای افراد مورد مطالعه برابر ۳۹/۳۸ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد بالایی قرار دارد. این آمار بیانگر این واقعیت است که بیشتر جوانان در جامعه اعتماد اجتماعی مناسبی می کنند.

جدول شماره ۱ توزیع نسی شاخصهای اجتماعی اقتصادی پاسخگویان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مشارکت اجتماعی	۸۵	۴۳/۴۸	۵/۸۸
نگرشهای مذهبی	۸۵	۲۱/۱۱	۳/۸۶
انسجام اجتماعی	۸۵	۲۵/۲۷	۴/۵۵
اعتماد اجتماعی	۸۵	۳۹/۳۸	۵/۱۶

### بررسی فرضیات

آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از دو تکنیک آماری، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس انجام گرفته است. برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله ای قرار می گیرند از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و جهت آزمون فرضیه هایی که متغیرهای مستقل آنها در سطح سنجش اسمی یا ترتیبی قرار دارد، از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) و از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است. تحلیل واریانس یک روش آماری است که به منظور بررسی تفاوت بین میانگین های متغیرهای اسمی و رتبه ای یا تفاوت بین میانگین های دو یا چند نمونه آماری به کار می رود، که طی آن اثر یک متغیر مستقل (اسمی یا ترتیبی) بر روی متغیر وابسته (فاصله ای) بررسی می شود و به منظور آزمون فرضیه های تحقیق تجزیه و تحلیل می شود. در این روش آماری، آزمون T و F بیانگر تفاوت بین میانگین ها می باشد.

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی جوانان را نشان می دهد. نتایج حاصل از این جدول نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه ی مستقیم و مثبتی وجود دارد استدلال می شود که با افزایش انسجام اجتماعی در میان جوانان، میزان مشارکت آنها بیشتر خواهد شد. با توجه به نتایج جدول،

فرضیه ی مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده و قابل پذیرش و تعمیم به جامعه آماری می باشد.

جدول شماره ۲ ضریب همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
انسجام اجتماعی	۲۵/۹۷	۵/۱۴	-۰/۴۳	۰/۰۰۹

جدول شماره ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش های مذهبی و مشارکت سیاسی جوانان را نشان می دهد. نتایج حاصل از این ضریب نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه ی معنادار وجود دارد به این معنا که هرچه در جامعه بیشتر احساس مذهبی بودن کند، بیشتر در فعالیتهای اجتماعی آن جامعه مشارکت می کنند. با توجه به نتایج جدول متغیر زیر در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده است و قابل پذیرش می باشد.

جدول شماره ۳ ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش های مذهبی و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
گرایش های مذهبی	۲۲/۱۸	۳/۱۹	۰/۲۷	۰/۰۳۶

جدول شماره ۴ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان را نشان می دهد. نتایج حاصل نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور ارتباط معناداری وجود دارد و لذا قابل تعمیم به کل جامعه آماری می باشد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان اعتماد اجتماعی جوانان، مشارکت اجتماعی آنها بیشتر می شود. با توجه به نتایج جدول، فرضیه مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده و قابل پذیرش می باشد.

جدول شماره ۴ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی	۲۷/۶۵	۵/۱۵	۰/۳۲	۰/۰۰۷

جدول شماره ۵ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان درآمد و مشارکت سیاسی جوانان را نشان می دهد. نتایج حاصل نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار وجود ندارد و لذا قابل پذیرش نمی باشد.

جدول شماره ۵ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان درآمد و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میاتکین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان درآمد	۱۷۷۷/۱	۱۰۶۲/۱۸	۰/۰۸۶	۰/۸۵

جدول شماره ۶ ضریب همبستگی پیرسون بین تحصیلات و مشارکت سیاسی جوانان را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار وجود دارد به این معنا که با افزایش میزان تحصیلات جوانان، میزان مشارکت آنها نیز بیشتر خواهد شد. با توجه به نتایج جدول، فرضیه ی مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار بوده است و قابل پذیرش می باشد.

جدول شماره ۶ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میاتکین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان تحصیلات	۱۲/۲۷	۳/۳۰	۰/۲۸	۰/۰۱۵

جدول شماره ۷ ضریب همبستگی پیرسون بین میزان سن و مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد که بین سن جوانان و میزان مشارکت سیاسی آنها ارتباط معناداری وجود ندارد و لذا فرضیه ی مذکور در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار نبوده است و قابل پذیرش و تعمیم نمی باشد.

جدول شماره ۷ ضریب همبستگی پیرسون بین سن و مشارکت سیاسی جوانان

نام متغیر	میاتکین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۲۵/۵۷	۷/۱۳	۰/۰۲۲	۰/۸۵

قابل ذکر است که بین متغیرهایی چون رسانه های جمعی، محل سکونت و عضویت در نهادها رابطه ی معناداری وجود نداشته است و متغیرهای فوق نیز رد شده است.

### تحلیل مسیر

تحلیل مسیر اساساً تکنیکی تحلیلی است که با استفاده از معادلات رگرسیون چند متغیره استاندارد شده به بررسی مدل های نظری می پردازد (میلر، ۱۳۸۰، ص ۳۳۱). بوسیله ی تحلیل مسیر علاوه بر اینکه شبکه روابط موجود بین متغیرها به نمایش در می آید، شدت این روابط نیز آشکار می گردد. مدل تحلیل مسیر در این تحقیق با استفاده از رگرسیون



چندمتغیری به شیوه ی مرحله به مرحله جهت محاسبه ضرایب مسیر تنظیم گردیده است که اهمیت و تاثیر نسبی روابط مستقیم و غیرمستقیم متغیرها را ارزیابی کرده و به کشف دیاگرام مسیر نائل آمده است.

نتایج حاصل از نمودار تحلیل مسیر نشان می دهد که متغیر حس انسجام اجتماعی بیشترین ارتباط معنادار را با متغیر میزان مشارکت سیاسی جوانان در شهر ساری دارد. به طوری که مقدار بتا برای این متغیر برابر ۰/۶۲ می باشد. در کنار این متغیر عواملی دیگر همچون گرایشهای دینی، اعتماد اجتماعی، عضویت در نهادها و تحصیلات از جمله متغیرهایی است که با میزان مشارکت جوانان به صورت مستقیم در ارتباط معنادار بوده اند.

جدول شماره ۸ اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل

متغیرها	اثر مستقیم	نوع اثر	اثر غیرمستقیم	اثر کل (ضریب اثر)
اعتماد اجتماعی	۰/۳۲		-	۰/۳۲
انسجام اجتماعی	۰/۶۲		-	۰/۶۲
عضویت در نهادها	۰/۳۱		-	۰/۳۱
گرایشهای دینی	۰/۲۱		-	۰/۲۱
تحصیلات	۰/۵۱		-	۰/۵۱

### بحث و نتیجه گیری

توسعه ی سیاسی که مستلزم تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است یکی از اهدافی است که دولتهای خواهان پیشرفت بدان نظر دارند. اما توسعه تنها برداشت کلامی از یک حرکت نیست، بلکه خود گرایش ها و مقدمات خاصی را می طلبد که راه را جهت حرکت جامعه به سوی آینده توأم با رفاه اقتصادی و آرامش خیال هموار کند.

امروزه بحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخصه های پیشرفت و توسعه از جمله عوامل بسیار مهمی است که تمام تلاش تصمیم گیران و سردمداران کشورها بخصوص جهان سوم را به خود مشغول داشته است. کشور ما نیز از این مقوله جدا نیست و بحث ها و تلاشهایی که به نوعی چه در قوه مقننه و چه در قوه مجریه صورت می گیرد، گواه این مطلب است. براساس یافته های تحقیق رابطه معنی داری بین متغیرهای، جهت گیریهای مذهبی (F=۰/۲۷)، انسجام اجتماعی (F=۰/۴۳) و اعتماد اجتماعی (F=۰/۳۲) با مشارکت سیاسی وجود دارد. نتایج تحلیلی در این مقاله نشان می

دهد که انسجام اجتماعی بالاترین ارتباط معنادار را با متغیر وابسته داشته است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر وابسته مستقیماً تحت تاثیر متغیرهای انسجام اجتماعی ( $Beta=0/62$ )، اعتماد اجتماعی ( $Beta=0/32$ )، تحصیلات ( $Beta=0/51$ ) و گرایش‌های دینی ( $Beta=0/21$ )، قرار گرفته است و در مجموع این متغیرها توانسته است مقدار ( $R^2=0/65$ ) از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

داده‌های بدست آمده از وضعیت مشارکت جوانان نشان می‌دهد که میانگین نمره مشارکت اجتماعی برای افراد مورد مطالعه برابر  $43/48$  است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود مشارکت کم و تا حدی ضعیف در میان جوانان است. نتایج بدست آمده در راستای مطالعات انجام شده قبلی و همچنین سطوح نظری تحقیق گویای این واقعیت است که وضعیت مشارکت جوانان در جامعه بسته به عوامل متفاوتی تغییرپذیر است.

نتایج تحقیق در مورد مشارکت جوانان براساس آنچه که میلیرات و گوئل بحث می‌کنند بسته به عواملی چون انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی و ویژگیهای شخصی می‌باشد، تا حدی همخوانی دارد. وی تاکید دارد که مشارکت بر طبق ویژگیهای شخصی فرد نیز فرق می‌کند. شخصیت‌های اجتماعی تر، مسلط تر و برون‌گراتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه اجتماعی و قومیت سنجیده می‌شود به طور قابل ملاحظه‌ای در مشارکت جوانان تاثیر دارد. زمینه یا محیط سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و تشکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد، تشویق می‌کند یا برعکس مشوق مشارکت نباشد.

بدون اغراق می‌توان گفت لازمه‌ی اجرای سیاستهای توسعه به شمار آوردن جوانان در این فرآیند است. البته لحاظ نمودن مسائل جوانان، مشکلات و موارد خاص مربوط به این قشر از جامعه در تصمیمات و برنامه‌ریزیهای توسعه یک سوی قضیه است و طرف دیگر آن همکاری و مشارکت این گروه در پروسه‌های توسعه‌ای. این موضوع که بدون حضور جوانان در مشارکت طرحهای توسعه پروژه‌ها کارایی و بهره‌وری مفید خود را به میزان قابل توجهی از دست می‌دهند. به عنوان مثال آیا می‌توان طرحها و پروژه‌های صرفه

جویی های اقتصادی - استفاده بهینه از منابع، مصرف کیفی و ... را بدون حضور مشارکت جوانان به عنوان بخش قابل ملاحظه ای از استفاده کنندگان جامعه به سر منزل مقصود رساند.

آموزش چگونگی مشارکت و آگاهیهای لازم برای جوانان به وسیله ی رسانه‌های مطبوعاتی، صوتی، تصویری و سازمانها، نهادهای گوناگون و در عین حال متناسب با شرایط، استعدادها و انگیزه‌های خاص آنان باید انجام پذیرد. به خصوص آموزشهای لازم اجتماعی باید از طریق آموزش و پرورش و آموزش عالی در قالب متون درسی و واحدهای درسی انجام پذیرد تا جوانان جامعه از همان دوران تحصیل، پیش‌درآمدهای مورد نیاز برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی را کسب نمایند.

۱- مسأله مهم و قابل توجه در فراگرد مشارکت سیاسی و اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی فرایند مستمر یادگیری است که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف حقوق و نقشهای خویش در جامعه پی می‌برند.

۲- آموزش، مهمترین رکن مشارکت سیاسی و اجتماعی و نهایتاً توسعه ی یک جامعه می‌باشد. کلیدی‌ترین عنصر در توسعه ی یک جامعه، مردم آن جامعه یعنی جوانان آن هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند.

۳- شخصیت جوانان از طرف جامعه، دولت و دیگر سازمانهای اجتماعی مورد توجه منطقی و معقول قرار گیرد و به آنها اهمیت داده شود تا صاحب شخصیت، فکر و خلاقیت شوند. اگر جوانان به تناسب امکاناتی که فضای فکری جامعه، نظام آموزشی فرهنگ سیاسی، فرهنگ خانواده و برنامه‌ریزی عمومی که در اختیار آنها می‌گذارد به کشف استعدادها، ارتقای اعتماد به نفس، تفکر و عادت به فکر کردن و اعتلای شخصیت خود پردازند، طبیعی است که زمینه‌های مناسب تری برای مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان فراهم خواهد آمد.

۴- زمینه‌های استحکام بخشیدن به هویت عمومی جوانان فراهم آید. اصولاً در هر جامعه‌ای اگر هویت عمومی آن جامعه بسیار مستحکم و قوی باشد، جوانان آن با علاقه به کار و فعالیت در اجتماع می‌پردازند. به خصوص در میان جوانان پایداری هویت عمومی

به آنان فرصت لازم برای حضور در اجتماع و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی فراهم می‌آید و در نتیجه علاقه و گرایش جوانان به فعالیتهای اجتماعی افزایش می‌یابد.

۵- زمینه‌های ایجاد علاقه به جامعه و به دنبال آن قانون‌پذیری در میان جوانان ایجاد شود. لازمه ی چنین وضعیتی، داشتن چند شرط است که اهم آن عبارتند از:

الف) نگرش آینده‌نگری بر علاقه به سرنوشت آینده جامعه در جوانان به وجود آید.

ب) هدف از زندگی هم از نظر ذهنی و هم از نظر عینی برای جوانان روشن شود.

ج) تبلیغات و اقدامات ضروری برای تقویت علاقمندی جوانان به جامعه از طریق رسانه‌های نوشتاری و صوتی و تصویری به عمل آید.

د) تعالیم دینی در این زمینه آموزش داده شود.

ه) از مکانیسمهای تشویقی در راستای افزایش علاقه جوانان به جامعه نیز استفاده شود.

۶- مسأله ی مهم دیگر، این است که امکانات، شرایط و زمینه‌های لازم برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی جوانان در قالب تشکیلات سالم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مثل احزاب سیاسی و سازمانهای فرهنگی، رقابتهای انتخاباتی و وسایل و امکانات گسترش، فعالیتهای ورزشی جوانان در ابعاد داخلی و خارجی و مسابقات فراهم آید تا روحیه ی جمعی جوانان تقویت گردد.

۷- بسیج اجتماعی جوانان، یکی از مهم‌ترین اقدامات برای افزایش میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی جوانان در جامعه می باشد. از نظر کارل دویچ، بسیج اجتماعی، روندی است که در آن مجموعه‌های عمده تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روانی کهنه ریشه‌کن شده تا جوانان آمادگی پذیرفتن الگوهای جدید رفتاری و اجتماع‌گرایی را پیدا نمایند.

#### زیر نویس ها

1-Levin	2-Merton	3-Durkhiem	4-Lipset	5-Huntington
6-Lerne	7-Nelson	8-Authority	9-Weber	
10-Comprehension		11-Daouns	12-Lin	13-Perry
14-Milbras & Goeel		15-Erickson	16-Giddens	17-Cochran

#### منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی. جامعه شناسی توسعه. تهران: موسسه نشر کلمه، ۱۳۸۰.
- ۲- انصاری، محمد اسماعیل. "مشارکت اجتماعی نقش آن در وفاق اجتماعی"، مجموعه مقالات طرح ساماندهی فرهنگی وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۳- بشیریه، حسین. جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳.

- ۴- پایلی یزدی، محمد حسین. نظریه ی شهر و پیرامون، شابک، ۱۳۸۲.
- ۵- توسلی، غلامعباس. نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- ۶- خاکساری، علی "فرایند مشارکت وسطوح آن". مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه ی مشارکت زنان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- ۷- دیویدای. اپتر و چارلز اف. اندی بین، "اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی"، ترجمه ی محمد رضا سعید آبادی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۸- راش، مایکل. جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صیوری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.
- ۹- رنجبر، رقیه. "بررسی راههای جلب مشارکت جوانان در فعالیتهای اقتصادی، آموزشی و پژوهشی مراکز موسسات آموزش عالی کشور"، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۰- سالکی، حسین. مشارکت، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
- ۱۱- ستوده، هدایت الله. آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱.
- ۱۲- شجاعی، زهرا. مرکز امور مشارکت جوانان، ۱۳۸۱.
- ۱۳- علیخانی، مهدی. "آسیب شناسی مشارکت سیاسی جوانان"، ۱۳۸۵.
- ۱۴- محسنی تبریزی. علیرضا "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی سیاسی"، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، تهران: مرکز پژوهش های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۵- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. "مشارکت سیاسی: مروری بر مفاهیم اولیه"، تهران: معاونت پژوهشی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۶- وثوقی، منصور. "روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران"، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱، ۱۳۸۳.
- ۱۷- هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵.

18-Goetz, A." Women's education and political participation". *Journal Gender And Education for All: The leap to equality*. UNESCO, 2003.

<http://www.farsnews.ir/shearchresults>.

19- Huntington. S. & Nelson, J.M., No Esau choice: Political participation in developing countries, Cambridge: Harvard university Press, 1978 .

20-Lipset, S.M.. " *Political Man*": *The Social Basis of Politics*. London : Mercury Books, 1963.

21-Robert, Holton & Bryan Turner, Max Weber on economy and society. Rutledge, London: 1989.

22-Shapiro, R." Political Participation And Quality Of Life". *Journal Inter American Development Bank*, Columbia University, 2008.